

ادامه از صفحه اول

«ظهور یک اختلاف»

اکنون اگر جنوبی‌ها در این مقطع به استقلال برسند، نخستین دولت «کاملاً وابسته به ابوظبی» در سرتاسر جهان عرب و منطقه تأسیس خواهد شد که دستاوردی بنیادین برای تحکیم نفوذ ابوظبی در جهان عرب خواهد بود. با توجه به وجود حوثی‌ها به‌عنوان دشمن مشترک، بسیار ناپذیرانه است که در این مقطع عربستان به یک درگیری داخلی در جبهه متحد خود دست بزند؛ ولی حتی اگر هم سعودی با سرکوب خشن و خونین این نیروها را سرکوب کند و جنوب به استقلال نرسد، جنوبی‌ها بار دیگر می‌بینند که تمام جهان پشت آنها را خالی کرده و فقط ابوظبی حامی آنهاست. آرمان استقلال، همواره بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی و عامل انگیزش برای تبدیل آنها به نیروهای «نیابتی» انحصاری امارات در معادلات منطقه خواهد شد. در کوتاه‌مدت احتمالاً اماراتی‌ها با عقب‌نشینی مختصر، ششم افسارگسیخته سعودی را کنترل خواهند کرد و با تانی به تحکیم موقعیت خود خواهند پرداخت.

به‌رحال ال‌کوی موفق ایران در استفاده از نیروهای نیابتی و حضور هویتی در عمق استراتژیک برای ابوظبی سرمشق مهمی بوده است. این موضوع یکی از محورهای رقابت منطقه‌ای برای سال‌های پیش‌رو خواهد بود. ابوظبی تلاش موقعی را از مدت‌ها قبل برای برساختن هویت طریقتی احمدیه بدوید در برابر هویت وهابی سعودی و قطری و پیرنگ‌کردن -دوباره- نماد الاظهر در برابر مدینه و مدرسه آل محمود دوحه، آغاز کرده بود که امروز میوه‌هایش به ثمر نرفته است.

اکنون روشن است که به لحاظ تحولات ژئواستراتژیک، عمده کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس، اعم از عربستان، قطر و امارات از آستانه‌ها بازنگری دکترین امنیت ملی خود گذشته‌اند و وارد دوران جدیدی شده‌اند؛ دورانی که شاید مشخصه پررنگ آن رقابت برای در‌دست‌گرفتن نوعی از رهبری بر محور پان‌عربیسم در جهان عرب از سویی و نفوذ به کشورهای اسلامی با تکیه بر محورهای نوینی از هویت مسلمانی از سوی دیگر باشد.

به گمانم؛ درک این موضوع از سوی استراتژیست‌های ایرانی، برای طراحی یک سیاست منطقه‌ای متعادل، اساسی است.

شرط‌بندی دیگر جواب نمی‌دهد

کرباسچی خود بر این نکته واقف است که می‌گوید: «درواقع حزب کارگزاران سازندگی یک جریان سیاسی عملگراست و خود این حزب فی‌نفسه فاقد گفتمان ویژه و خاص برای پیشبرد اهداف خود است. با توجه به همین رویکرد عملکردانه، طبیعی است که چنین انتخاب‌هایی مانند صورت بگیرد و [اعضا] با خبرگزاری‌هایی مانند تسنیم هم مصاحبه کنند».

به نظر می‌رسد طیف‌ها و احزاب سیاسی موجود، در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در حال آرایش سیاسی تازه‌ای هستند. اما در وضعیت مستقر، فضای سیاسی بیش از یک‌دست‌سازی و ائتلاف‌های انتخاباتی نیازمند برسته‌سازی تعارضات واقعی و مطالبات مدنی است که به دلیل تاکید بر وضعیت استثنائی ناشی از تحریم و خطر جنگ در سال‌های اخیر اولویت خود را از دست داده، از طرف سیاست‌مداران به تعویق افتاده و بعید نیست که به اعتراضات مردمی دیگر یا دست‌کم بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم از طیف‌های سیاسی داخلی منجر شود. چنین وضعیتی نیازمند سیاست‌های هوشمندانه و حساب‌شده‌تری از شرط‌بندی بر سر مهره‌های موجود سیاسی است.

گردشگری شغل و آینده بهتر

حال از یک طرف بنا توجه به انتخاب این شعار برای سال ۲۰۱۹ شایسته است که متولیان صنعت گردشگری در بُعد نظری مشاغل و تعاریف گردشگری برای آینده بهتر شاغلان و علاقه‌مندان به فعالیت در این خدمت تجدیدنظر کنند.

از طرف دیگر چون رایج‌ترین نگاه به گردشگری در جهان معاصر رویکرد اقتصادمحور است و یکی از منابع عمده درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به شمار می‌آید، به‌طوری‌که میان توسعه گردشگری و رشد اقتصادی رابطه متقابل وجود دارد. در این صورت به طور معمول چنانچه شهرها و مقاصد از رشد اقتصادی بیشتری برخوردار باشند از گردشگر بیشتری نیز برخوردارند. بنابراین اتحاد سیاست‌های عمومی مناسب در تمام لایه‌های مدیریتی و حمایت کامل تمام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی برای رونق گردشگری که منجر به تأثیرات اقتصادی مهمی در هر منطقه و افزایش اشتغال خواهد بود اجتناب‌ناپذیر است.

«مدیرعامل شرکت هلدینگ گردشگری مارکوپولو و رئیس هیئت‌مدیره جامعه گردشگری الکترونیکی ایران

شرق: مرتضی طلائی، فعال سیاسی اصولگرا، با بیان اینکه «تجربه سالیان گذشته نشان داده است که اصولگرایان نمی‌توانند به یک وحدت جامع دست یابند»، خبر از این داده است که سعید جلیلی به‌عنوان نماد جبهه پایداری هم حاضر نیست با شورای وحدت به ائتلاف برسد. پیش از این حزب مؤتلفه خبر از این داده بود که می‌خواهد با فهرست حزبی به انتخابات بیاید و در جلسات شورای وحدت هم شرکت ندارد. تا اینجا کار مشخص نیست که این شورای وحدت با و ذیل چه جریان‌ها و جبهه‌هایی از اصولگرایی در حال فعالیت است؛ تاجایی‌که علی لاریجانی و یارانش اصلا به آن دعوت نشده‌اند. قالیباف هم که زوترتر از همه با ایده نواصولگرایی ساز جدایی زده و راسا اقدام به فراخوان ثبت‌نام انتخاباتی کرده است. اگرچه در ظاهر گفته می‌شود از وحدت حمایت می‌کند. جبهه پایداری هم که به‌صورت علنی از الگو و مدل انتخاباتی خودش صحبت می‌کند و به شکل‌های مختلف گفته حاضر به وحدت با شکل و شمایل اصولگرایان نیست، مگر اینکه از مدل پیشنهادی آنها تبعیت شود. جامعه روحانیت هم می‌خواهد نقش اصلی و محوری را در این وحدت ایفا کند و لزوما یک عضو نباشد. برای همین او هم گفته الگوی خاص خود را دارد و انتظارش این است که دیگران زیر لوای او جمع شوند. اتفاقی که تاکنون نیفتاده است.

روز گذشته مرتضی طلائی درباره علت به‌وحدت‌نرسیدن اصولگرایان به نامه‌نویز گفته است: «در جریان اصولگرا همه خود را برحق می‌دانند و به دیگر اصولگرایان با دیده شک و تردید نگاه می‌کنند. از سوی دیگر در این جریان یک رهبری اراد دیده نمی‌شود و این خلأ بزرگی است. اگر نیروهای جبهه پایداری را منهای آقای احمدی‌نژاد بدانیم، تصور نمی‌کنم سرمایه خاصی داشته باشند. آنها مجموعه‌ای از نیروهای انقلابی هستند که با نگاهی بسته به مسائل می‌نگرند، اما اگر همچنان آقای احمدی‌نژاد را در زمره آنها بدانیم، بله باید پذیرفت که از سرمایه اجتماعی قابل توجهی برخوردارند؛ اما معتقدم دیگر نمی‌توان جبهه پایداری و احمدی‌نژاد را در یک ظرف گنجانده. او ادامه داده: «پایداری‌ها همیشه قواعد بازی را برهم زده‌اند و حاضر نشده‌اند که برای اتحاد میان تمام اصولگرایان قدری ازخودگذشتگی به خرج دهند یا از بعضی موضوعشان کوتاه بیایند. متأسفانه آنها همواره دیگر اصولگرایان را تا دقیقه ۹۰ معطل می‌گذارند و در نهایت هم به وحدت رضا نمی‌دهند. اکنون هم همین است و زمره‌هایی مطرح شده که آقای جلیلی به‌عنوان نماد جبهه پایداری حاضر نیست با شورای وحدت به ائتلاف برسد و این‌موضوع یعنی آنکه همچنان باید شاهد ائتلاف باشیم. همه جریان‌های اصولگرایی باید بدانند که اگر قدمی برای جدایی میان نیروهای اصولگرا بردارند، به اصل انقلاب اسلامی ضربه زده‌اند».

سیاست

بعد از جبهه پایداری، مؤتلفه، جامعه روحانیت مبارز و قالیباف، سعید جلیلی هم کناره‌گیری کرد

ریزش در شورای وحدت ادامه دارد

اصولگرایی بدون زعیم



دبیر کمیسیون ماده ۱۰قانون احزاب:

جبهه پایداری وجهه قانونی ندارد

اینها؛ دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب گفت: از نظر ما جبهه پایداری وجاهت قانونی ندارد. جبهه‌ها باید حضور خود را به اطلاع کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب برسانند. ملانوری، مدیرکل سیاسی و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب یادآور شد: حزب پایداری تقاضای تأسیس داده است، قرار شد مجمع خود را برگزار کنند تا مراحل تأسیس را با ضوابط جدید پیگیری کنند. به نظر ما جبهه پایداری وجاهت قانونی ندارد. جبهه‌ها باید حضور خود را به اطلاع کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب برسانند. ملانوری افزود: گزارش پرونده جمعیت فرهنگی عدالت‌خواه استان اصفهان نیز مطرح شد و قرار شد بر اساس شرایط قانونی اساسنامه خود را تنظیم کنند. حزب مجمع اصولگرایان استان قم هم تقاضای خود را مطرح کرده است. قرار شد طبق قانون مراحل تأسیس را طی کنند تا ما رسیدگی کنیم. قرار شد وضعیت چند حزبی که اول انقلاب با دستور حضرت امام شکل گرفتند در جلسه بعدی رسیدگی شود. وی سپس گفت: چیزی به نام شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان وجود ندارد و رسمیت ندارد، اگر شورایی هست می‌تواند ذیل دو جبهه اصلاح‌طلبی که رسمی در وزارت کشور اعلام شده است فعالیت کند. مجمع روحانیون پروانه فعالیت گرفته بود. اما مجید متقی فر، سخنگوی جبهه پایداری، درباره سخنان اخیر دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب به «نامه‌نویز» چنین گفت: «این سخنان درست نیست و ما قویا اعلام می‌کنیم که قانونی هستیم. جبهه پایداری تمام ضوابطی را که خواسته شده بود رعایت کرده و فقط در تعدادی از شهرستان‌ها مجوز اخذ نشده است که در آنها هم متأسفانه فرماندارها مشکلاتی ایجاد کردند. جبهه پایداری در تهران و عموم شهرستان‌ها دارای مجوز است و اگر پایداری غیرقانونی است بطور مجوز فعالیت در اقصا نقاط ایران را دارد؛ با همین گزاره می‌توان دریافت که ادعای غیرقانونی‌بودن جبهه پایداری خلافواقع است».

زعیم کیست؟

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل اصولگرایان در ترسیدن به وحدت، نداشتن زعیم است. اصولگرایان یتیم شده‌اند. در غیبت بزرگان حالا هرکسی خودش را زعیم می‌داند. طلائی که به قالیباف هم نزدیک است در پاسخ به این پرسش که نقش قالیباف در ایجاد این اتحاد چگونه است، گفته: «آقای قالیباف سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های فردی خوبی دارد البته که با پایداری‌ها زاویه‌های مهمی دارد. او در مقطع کنونی بحث نواصولگرایی را مطرح کرد. این طرح اگر به معنی

آن باشد که از جوانان بااستعداد و آشنا به امور سیاسی استفاده و ذیل عنوان کلی اصولگرایی فعالیت شود، امر پسندیده‌ای است و همه اصولگرایان باید به او کمک کنند؛ اما اگر قرار است این طرح زمینه گسترش انشقاق میان اصولگرایان باشد، همان انتقادهایی که به پایداری‌ها وارد است، به آقای قالیباف هم وارد می‌شود». مرتضی طلائی در پایان در پاسخ به اینکه آیا همدمقارب قالیباف می‌توانند نقش رهبری جبهه اصولگرایی را ایفا کنند، گفت: «به نظر من قالیباف به‌تنهایی نمی‌تواند لیدر جریان اصولگرایی باشد. او توانمندی‌های قابل توجهی دارد اما

اگر می‌خواهد نقش تأثیرگذاری داشته باشد، باید دایره اطرافیانش را گسترش دهد و از افرادی استفاده کند که کارنامه درخشانی دارند. اکنون مشاهده می‌شود که تمام بار طرح نواصولگرایی بر دوش خود قالیباف است و فرد دوم سرشناسی در کنار او مشاهده نمی‌شود. به‌جز قالیباف، چهره‌های دیگری که می‌توانند نقش زعامت در این جریان را بازی کنند، افرادی مانند حدادعادل یا محمدرضا باهنر هستند؛ اما آنها هم مشکلات عدیده‌ای دارند. حسین انصاری مقدم از چهره‌های اصولگرا گفته است اینکه این دو چهره یا چهره‌های دیگر دنبال رهبری و ایفای نقش هدایتگری باشند، خصلتی است که در ذات انسان وجود دارد و شاید بتوان گفت این نوع تلاش رویکردی غیرمنطقی اما طبق عرف است. نکته

این است که رهبری فردی با آنچه در ذهن اصولگرایان می‌گذرد، در تضاد است و به‌همین‌دلیل تلاش‌های باهنر و حدادعادل برای رهبری اصولگرایان نتیجه نمی‌دهد و معلوم است که جریان اصولگرایان این دو نفر را به‌عنوان رهبر فعالیت‌ها نمی‌پذیرند. در واقع آقایان حداد و باهنر می‌توانند امور مربوط به هماهنگی و لابی‌گری‌های لازم را انجام دهند. البته سایاسون همیشه خود را محور عالم به شمار می‌آورند که باید بدانند این مسئله دیگر در هیچ‌جا و نزد هیچ‌کس خرسداری ندارد. جامعه روحانیت هم به‌عنوان یک نهاد نه فرد، بسیار تمایل به برعهده‌گرفتن این نقش دارد. چنان‌که در دوره‌ای نیز چنین جایگاهی داشته است. در میان جریان‌های اصولگرایی، جبهه پیروان خط امام و رهبری با دبیر کلی باهنر از اینکه ذیل زعامت جامعه روحانیت قرار بگیرد، ابایی ندارد. سخنگو و دبیر کل آن منتقیا با غیرمستقیم به این اشاره کرده‌اند: اما مشکل این است که نه حرف آنها خریدار دارد و نه حرف خود جامعه روحانیت که چنین تمایلی دارد. مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت هم یک بار گفته بود نمی‌توانیم به دیگران اصرار کنیم که بیاید ذیل محوریت ما وحدت کنند؛اجبهه پیروان خط امام و رهبری البته هم‌زمان به‌شدت به‌دنبال بازگرداندن ناطق و انداختن مسئولیت زعامت بر گردن او هستند، اما تابه‌حال همه تلاش‌هایشان شکست خورده و ناطق حاضر به بازگشت به جریان عملی سیاست نیست.از سویی دیگر به نظر می‌رسد جبهه پایداری هم تمایل دارد زعامت آیت‌الله مصباح‌یزدی را بر جسته‌تد کند و زمانی در کنار شیخوخت رئیس دو جامعه روحانیت مبارز و مدرسین حوزه علمیه قم اعتقاد داشت که آیت‌الله مصباح‌یزدی هم باید حضور داشته باشد که با مخالفت آن دو جامعه به‌ویژه جامعه روحانیت روبه‌رو شد، چراکه معتقد بودند محوریّت نه بر مبنای شخصیت حقیقی، بلکه شخصیت حقوقی است.با وضعیتی که اصولگرایان پیش می‌روند، احتمالاً در انتخابات مجلس آتی باید با طیف رنگارنگی از فهرست‌های انتخاباتی اصولگرایانه روبه‌رو باشیم.

پاسخ آیت‌الله آملی لاریجانی به نامه اعضای مجمع درباره مجادله با آیت‌الله یزدی؛

عذر خواهی می‌کنم

شده است، عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم همه با اجتناب از حواشی و عوارض، در صف واحد، برای رفع مشکلات مردم که حقیقتاً امروز کمرشکن است، تلاش کنیم که اگر با اخلاص در راه خدا کام برداریم، نصرت خداوند قطعی است.

پاسخ قاطع هدید

با توجه به ماجرای درگیری یزدی و آملی لاریجانی اعضای تشخیص مصلحت نظام در نامه‌ای به آملی لاریجانی خواستار توضیح او شده بودند. در بخشی از این نامه آمده است: همان‌گونه که پس از انعکاس مجادلات انجام‌شده در رسانه‌ها درباره آثار نامطلوب آن نکاتی به استحضار رسید، مطلب منتشرشده به نام آیت‌الله یزدی و به‌ویژه پاسخ کتبی منتسب به جناب‌عالی، ضمن اینکه دوستان و دل‌باختگان انقلاب عزیزمان را شگفت‌زده و دل‌آزرده کرد، دستاویزی برای سوءبرداشت‌ها و شیطنت‌های دشمنان خارجی و بدخواهان داخلی علیه انقلاب و دستاوردهای افتخارآمیز آن گردید. با توجه به مقامات علمی و موضع‌گیری‌ها و سوابق مثبت شما در طول سال‌های خدمت در سنگر شورای محترم نگهبان و به‌ویژه دستگاه قضائی کشور و به لحاظ اهمیت و ضرورت وحدت و همدلی و وفای بین مسئولان و نخبگان کشور، حول محور ولایت و امامت رهبری فرزانه انقلاب و لزوم دادن پاسخ قاطع به یاهوسرایی‌ها، متفقانه از جناب‌عالی استعفا می‌شود با تدبیر مناسب راه هرگونه برداشت منفی علیه نظام و ارکان عزت‌بخش آن گردید. با توجه دشمنان و بدخواهان را مسدود و آنان را مایوس و ناامید ساخته و با این اقدام خداپسندانه موجبات سرور و خوشحالی ملت فادکار را فراهم سازید.

نمی‌خواستیم قد فراکسیون امید را بلندتر نشان دهیم، بنابراین هر کاری که در فراکسیون امید انجام می‌شد لازم بود با دیگر فراکسیون‌ها هم هماهنگ باشیم و تعامل کنیم. شما کافی است به طرح‌هایی که طراح آنها بچه‌های امید بودند نگاه کنید تا ببینید از اعضای دوم الی سوم این نمایندگان از فراکسیون‌های دیگر است که پای آن طرح ثبت شده است. «چگونه پایش نمایندگان؛ این پایش فقط پایش نمایندگان نیست، ماجرا از این قرار است که شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک نهاد اجماعی اصلاح‌طلبان است و فقط برای یک رویکرد سیاسی انتخابات نیست، بلکه باید از زبانی هم داشته باشد. ما در این مسیر فعلاً از نمایندگان مجلس شروع کرده‌ایم، اما در ادامه سراغ اعضای شوراهای شهر در کلان‌شهرها هم می‌رویم و آنها را هم ازبایی می‌کنیم.

خبر

جلسه سران قوا برگزار شد

● روز گذشته جلسه سران قوا به میزبانی رئیس قوه قضائیه برگزار شد. حسن روحانی، رئیس‌جمهور و علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی دیشب برای برگزاری این نشست در دفتر آقای رئیسی، رئیس قوه قضائیه حضور یافتند. سران قوا قرار بود درباره مباحث و مسائل مهم به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی بحث و تبادل‌نظر کنند. نشست رؤسای قوا نخستین بار است که بعد از حضور رئیسی در دستگاه قضا به میزبانی وی برگزار شده است.

هشدار مسیح مهاجری درباره دوقطبی‌سازی خطرناک بین روحانیت

● شرق: مسیح مهاجری با انتقاد از اختلاف پیش‌آمده بین آیات یزدی و آملی لاریجانی، می‌گوید: آنچه بین این‌ دو چهره اتفاق افتاد مباحثه نبود، بدویبره‌گفتن بود. این خوب نیست. وقتی دوتا رئیس سابق قوه قضائیه به همدیگر می‌پرند و همدیگر را آن‌طور لخت و عریان افشا می‌کنند، مردم چه بگویند؟ حجت‌الاسلام مسیح مهاجری در پاسخ به سوالاتی درباره تلاش طیفی از تندروها برای ایجاد دوقطبی و دوگانه بین روحانیت در قم و تأثیر این موضوع بر بی‌اعتبارشدن جایگاه حوزه و روحانیت، گفت: این دوگانه‌سازی در دل روحانیت وجود دارد و بسیار خطرناک است. منشا آن هم خودحق‌پنداری است. عده‌ای فکر می‌کنند که انقلاب هستند، انقلابی هستند، اسلام هستند، حق هستند. آنها می‌فهمند و دیگران نمی‌فهمند. این تفکرات خطرناک است، اساساً هیچ‌کسی نباید خودش را اسلام بیندازد. بخش‌های مهم این گفت‌وگو به نقل از خبرنگاران به شرح زیر می‌آید: همان جلسه پنشنجبه که سخنرانان آقای واعظی را برهم زدند، آن اقا می‌توانست حرفش را بزند و بگوید من این حرف را دارم، شما جوابی اگر داری بگو، نه اینکه بگوید تو حرف‌زن، تو لیاقت حرف‌زدن نداری. این طیف از افراد هرچه می‌خواهند می‌گویند و به طرف مقابل هم می‌گویند تو صحبت نکن. این رفتارها خطرناک است. ما الان دچار چنین بیماری‌ای در قم هستیم، این بیماری باید در قم ریشه‌کن شود. قم باید به هویت اصلی خودش برگردد. همه آزادانه حرف خود را بزنند، همه تحمل کنند و اگر لازم شد رد هم بکنند. حیات علم و جامعه به نقد و رد است، یعنی شما حرف بزن من جواب بدهم و رد کنم و ادامه پیدا کند.

همدیگر را تحمل کنیم.آنچه بین این دو چهره اتفاق افتاد، مباحثه نبود، بدویبره گفتن بود. این خوب نیست. وقتی دوتا رئیس سابق قوه قضائیه به همدیگر می‌پرند و همدیگر را آن‌طور لخت و عریان افشا می‌کنند، مردم چه بگویند؟ این دو چهره می‌توانستند بنشینند و حرف‌هایشان را با هم مطرح کنند. چه دلیلی داشت این‌گونه مطرح کنند و در فضای مجازی و رسانه‌ای علنی کنند؛ این برای خودشان و جامعه بد بود و تأثیرات منفی زیادی داشت.قبل از انقلاب با آقای یزدی که رئیس جامعه مدرسین هستند، آقای ایرانی و من جلسات علمی مربوط به نهج‌البلاغه و حکومت داشتیم و صحبت و بحث می‌کردیم. قبل از انقلاب با ایشان دوستی دارم. چندبار نامه به ایشان نوشتم. وقتی رئیس جامعه مدرسین شدند، گفتم آقا موقعیت خوبی فراهم است، حالا که شما رئیس شدید، جامعه مدرسین را از حالت رکود خارج کنید، فعالش کنید و این دعاوها را کنار بگذارید، سعه صدر نشان دهید تا همه زیر چتر جامعه مدرسین باشند؛ منتهی گوش نکردند.آقای مصباح را خیلی سال است می‌شناسم و خیلی با ایشان کار کردم. هیچ وقت نسبت به ایشان در صحبت‌ها و روزنامه‌ها و گزارش و اهانت نداشتم و ندارم، اتفاقاً احترام می‌کنم ولی افکارشان را قبول ندارم. آرزو می‌کنم که همه بنشینند با هم حرف‌هایشان را بزنند، تقابلی بین آقای مصباح و طرف مقابلشان نباشد و تعامل کنند. مشکلات را حل کنند و همدیگر را قانع کنند.

معتقدم وجه مشترک زیاد دارند، اختلافات را با حل کنند یا پیش خودشان نگه دارند. آنقدر علنی جامعه را به هم نریزند. قسم باید پناهگاه مردم باشد، روحانیت باید پناهگاه مردم باشد ولی الان این‌طور نیستند.وی تأکید کرد: در همین دعوی اخیر برخی به من گفتند آقا ما در این دعوا خدا را ندیدیم.

راست هم می‌گویند؛ یعنی روحانیت هزارسال است که می‌گوید خدا. ولی حالا مردم بگویند روحانیت حرف‌هایی به هم می‌زند که ما در آن خدا را نمی‌بینیم؟ این بد است. البته باهم می‌گویم که این وضعیت، همه روحانیت را شامل نمی‌شود ولی همین موارد در جامعه مطرح می‌شود و نگاه جامعه به روحانیت از این زاویه است. خوب‌ها را کمتر می‌بینند یا چون سروصدا دارند، نمی‌بینند؛ ولی متأسفانه در کل بدن سالم یک زخم خودش را نشان می‌دهند.